

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@afgazad.com](mailto:afgazad@afgazad.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سازمان انقلابی افغانستان

## «جامعه جهانی» یا امپریالیست های خونخوار؟

به ادامه گذشته:

### کنفرانس بن، آغاز اسارت رسمی

کنفرانس بن، نقطه عطفی در اشغال کشور ما به حساب می آید. این کنفرانس راه «قانونی» ورود امپریالیست های خونخوار را به میهن ما باز کرد. درین کنفرانس که جمعی از کثیف ترین مزدوران و قلاده بندگان امپریالیزم به دستور سیا و انتلجنس سرویس جمع شده بودند، مزدوران جهادی - تکنوکراتانی به نام های ائتلاف شمال، پروسه روم، پروسه پشاور و پروسه قبرس را دور هم جمع کردند. نگاه ساده به شرکت کنندگان درین جلسه (یونس قانونی، مصطفی کاظمی، پاچاخان خدران، عزیزالله واصفی، رحیم وردک، سیما سمر، همایون تندر، ستار سیرت، میرویس صادق، زلمی رسول، عارف نورزی، محمد ناطقی، اسحاق نادری، عزیزالله آصف محسنی، هدایت امین ارسلان، احمدولی مسعود، عزیزالله لودین، عباس کریمی، همایون جریر، انجنیر عبدالحکیم، رحمت الله موسی غازی، حامد گیلانی، آمنه افضلی و سید حسین انوری) نشان می دهد جز آنانی که طی سی سال به این شبکه ها جبین ساییده اند، هیچ آدم آزادی در آن شرکت نداشت. این کنفرانس وظیفه داشت که قدم به قدم سیاست های اشغالگرانه امریکا را در افغانستان به تصویب برساند و آن را برای نوعی مشروعیت بخشیدن و سازمان دادن دولت مزدور در افغانستان به کار گیرد و برای این که به این نشست مزدوران عبای شرعی تری دوخته باشد، پای نماینده سازمان ملل را که چون موشی در دست خلیلزاد قرار داشت، نیز به آن کشاند. درین کنفرانس بر حضور هشت هزار نیروی آیساف در افغانستان نیز اشاره شد که بعد شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بر آن مهر تأیید گذاشت. از جایی که این سازمان اکنون در زمینه های بسیاری در دست امریکا و متحدان آن قرار دارد که اگر چنین تصویبی هم صورت نمی گرفت، باز هم امریکا به اشغال افغانستان می پرداخت. در کنفرانس بن علاوه بر مزدوران معلوم الحال، ناظرانی هم دعوت شده بودند که شامل مؤسسات غیردولتی (داخلی و خارجی) می شد و از همانجا «تشکل های جامعه مدنی افغانستان» را شکل دادند تا آرام آرام این اشغال را در ذهنیت های مردم القاء نمایند.

## نیروهای اشغالگر

عملیات نظامی آمریکا که به نام «آزادی شکست ناپذیر» یاد می‌شد، در هفت اکتوبر ۲۰۰۱ در شمال کشور توسط تیم «فک شکن» آمریکا که مرکب از ۱۳۰ افسر سازمان سیا و ۲۱۶ افسر نیروی ویژه آمریکا بود، با حمایت مستقیم ائتلاف شمال آغاز شد. این ائتلاف قبلاً با اخذ ۷۳ میلیون دلار در تاجکستان، سود اشغال را گرفته بود. نیروهای آمریکایی که با هدایت قومندانان ائتلاف شمال مناطق پایگاهی طالبان را با جت های بی - ۵۲ بمباران می‌کردند و هم به بهای ۱۰ تا ۵۰ هزار دلار قومندانان محلی طالبان را می‌خریدند، به زودی بر طالبان غالب شدند.

امریکا در ابتدا با جمعی از کشورهای اروپایی، کانادا، استرالیا و نیروهای چند کشور دیگر که جمعاً ۴۷ هزار نفر را در بر می‌گرفت، به افغانستان هجوم آورد. نخست نیروهای انگلیسی در میدان هوایی بگرام پیاده شدند که بعد آمریکایی ها جانشین آنان در این میدان شده، علاوه بر این میدان هوایی قندهار و پنج پایگاه دیگر را هم در اختیار خود گرفتند و ۲۴ زندان را برای دستگیری مخالفان شان تدارک دیدند و به این ترتیب اشغال کشور ما کامل شد. بعد از آن که آمریکایی ها و انگلیس ها عراق را اشغال کردند، آمریکایی ها علاوه بر این که رشته های اصلی اشغال را در دست داشتند، پیمان ناتو را نیز درین اشغال شریک ساختند و بی جا نبود که رهبر چپ های المان «اسکار لافونته» با صراحت ابراز داشت: «ناتو که قبلاً اتحادیه دفاعی بود، حال به مجموعه ای مداخله جویانه تحت رهبری آمریکا مبدل شده است». وی همچنان گفت که ما چنین اتحادیه دگرگون شده ای را نمی‌پذیریم که در همه دنیا مداخله کند و حقوق ملت ها را زیر پا کند. وی با صراحت ابراز داشت که در عراق و افغانستان حقوق ملت ها پامال و این کشورها اشغال شده اند.

زمانی که ناتو رهبری عملیات در افغانستان را به دست گرفت، گراف این نیروها که شامل ناتو و شورای شراکت اور - اتلانتیکی (آلبانی، آذربایجان، کروشیا، فنلاند، مقدونیه و غیره) می‌شد، به این قرار بود:

ایالات متحده آمریکا: ۱۹۰۰۰ نفر، انگلستان: ۷۷۵۰ نفر، المان: ۳۴۹۰ نفر، کانادا: ۲۵۰۰ نفر، ایتالیا: ۲۳۶۰ نفر، هالند: ۱۷۳۰ نفر، فرانسه: ۱۴۳۰ نفر، استرالیا: ۱۱۰۰ نفر و پولند ۱۰۲۰ نفر که بعد آمریکایی ها نیروهای شان را به ۳۲۵۰۰ نفر افزایش دادند. فرانسه تصمیم به ارسال ۷۰۰ نفر دیگر گرفت. پولند هم افزایش ۱۰۰۰ نفر دیگر را در نیروهایش اعلان کرد و چک به ازدیاد ۲۰۰ نفر دیگر پرداخت. جمع نیروهای اشغالگر اکنون به ۷۱ هزار نفر رسیده] در زمان تحریر نوشته چنان بود در حالیکه اکنون بیش از ۹۰ هزار می باشد- پ]، آمریکایی ها ۳۲۵۰۰ سرباز در افغانستان دارند. قرار است آمریکایی ها به زودی تعداد نیروهای شان را در افغانستان به ۴۰,۰۰۰ نفر به اندازه ی نیروهای ۴۰ هزار نفری خود در جاپان، کوریا جنوبی، تایوان، فلیپین و طهران برسانند. انگلیس ها هم گفته اند که در صورت ضرورت نیروهای شان را در افغانستان به ۱۴۰۰۰ نفر می‌رسانند. علاوه بر نیروهای فوق، آمریکایی ها و انگلیس ها در کمپنی های محافظتی خصوصی بیش از ده هزار نفر سرباز مسلح دارند (مجموع نیروهای کمپنی های امنیتی داخلی و خارجی در افغانستان به ۲۷۵۰۰ نفر می‌رسد).

امریکایی ها چند بار اعلان کرده اند که تصمیم دارند تا ۹۰ سال دیگر در افغانستان باقی بمانند، اما انگلیس ها ماندن شان را تا پانزده سال عنوان کرده اند. آمریکایی ها تا حال دو بار معاهده ستراتیژیک خود را با کرزی و سینتا به امضاء رسانده که در آن اشغال بی قید و شرط افغانستان تثبیت شده است. قرار است این معاهده به شکل

رسمی اعلان گردد.

با این آمار به زودی امریکا و انگلیس در افغانستان ۵۴ هزار سرباز خواهند داشت. همین اکنون تعداد نیروهای این دو اشغالگر از مجموع نیروی هفتاد هزار نفری که کشورهای «ضد تروریست» به افغانستان فرستاده اند، بیشتر می باشد. کشورهای اروپایی پیمان ناتو، کانادا و استرالیا که شامل این نیروها اند، همه گوش به فرمان امریکا اند و برای این که تصدیقی بر حضور «جامعه جهانی» در افغانستان نشان داده باشند، نیروهای این کشورها به افغانستان آورده شده اند. گذاشتن نام «جامعه جهانی» بر چند کشور اشغالگر در برابر دو صد و چند کشور جهان، جز مسخره کردن مردم افغانستان چیز دیگری نیست.

### اشغال با سیل سلاح

اشغال افغانستان به وسیله امریکا و متحدان دیگر امپریالیستی اش که نام «جامعه جهانی» بر آن ها گذاشته شده، با تهاجم بیش از هفتاد هزار سرباز و تصمیم برپایی پایگاه های دائمی با ارسال سیل اسلحه همراه بود تا از یک سو خون زحمتکشان ما را بریزند و از سوی دیگر این اسلحه را ازین طریق در معرض آزمایش و فروش بگذارند و بازاریابی کنند. با ورود امپریالیست ها به افغانستان بیش از ۴.۷ هزار فقره سلاح و ادوات نظامی مختلف از مسلسل تا هلیکوپترهای تهاجمی، تانک، زره پوش و جت های شکاری وارد افغانستان شد. ارزش این تسلیحات در آغاز اشغال به ۲۱.۵ میلیارد دالر می رسید. با این که برخی از سلاح های امریکایی بنابر وضعیت جوی و طبیعی افغانستان قابل استفاده نبود و اسلحه کشورهای اروپای شرقی کارخانه های ترمیم نداشت، به زودی عدم کارایی این سلاح ها که بسیاری آن ها قدیمی بود، روشن شد و به این صورت بیش از هفتاد درصد این سلاح ها از عرصه جنگ خارج و به جای آن ها سلاح های جدیدی وارد افغانستان گردید و هر چه جنگ شدت می یابد، به همان پیمانانه راه ورود این سلاح ها به افغانستان بازتر می گردد.

امریکایی ها جت های فانتوم و طیاره های پیشرفته بی سرنشین را وارد افغانستان نمودند. انگلیس ها از ۲۰۰۷ به این سو زره پوش های Jackal، موترهای ضد ماین خانواده Cougar، طیاره های بی سرنشین Repair و بم های خفه کننده ترموباریک را وارد هلمند نمودند. کانادا تانک های Leopard، هلیکوپترهای Chinook، موترهای مختلف و طیاره های بی سرنشین را به قندهار آورد. پولند، افغانستان را بهترین منطقه آزمایش تسلیحاتش قرار داده، زره پوش های سبک Razmuk، دستگاه دید در شب، دستگاه های نشانه روی، هلیکوپترهای می-۱۱۷ و هلیکوپترهای می-۲۴ را به افغانستان وارد نمود. المان تانک های سبک و ضد ماین Fuchs را در کنار تسلیحات قبلی اش به افغانستان آورد. سویدن جت های Grepan را به افغانستان وارد کرد. رومانی زره پوش های Piranha-3 و زره پوش های پیشرفته ی Dingo-2 را به افغانستان آورد. با ورود این سلاح و مهمات که حد سلاح های اشغالگران را در افغانستان از چهار و نیم هزار فقره به پنج و نیم هزار بالا برد، ارزش مجموعی آن ها به ۵۶ میلیارد دالر رسید. این همه سلاح و مهمات که افغانستان را به زرادخانه ای مبدل ساخته، نشان می دهد که امپریالیست ها با تمسک به «مبارزه با تروریسم» افغانستان را به محلی برای نمایش کاربرد تسلیحات شان انتخاب نموده و ازین طریق بازارهای شان را در جهان گرم می سازند.

### سازماندهی اردوی ملی

"اردوی ملی" که یکی از ابزارهای مهم سرکوب اشغالگران در آینده به حساب می آید، برای استقرار دائمی نیروهای اشغالگر، سر پا نگه داشتن رژیم مزدور، دفاع از استثمار توسط کمپنی های امریکایی و سرکوب توده های مردم افغانستان بسیار مهم می باشد. در شرایط کنونی این اردو در برابر پیشروی طالبان نقش مهمی ایفاء می کند. اردوی ملی به تدریج شکل گرفت. امریکایی ها ابتدا نیروهای ایلجاری مجاهدین را از اردو خارج کردند و بعد افراد خلقی- پرچمی را نیز به نام تنقیصی از آن اخراج نمودند، گرچه این افسران ناآگاه ازین که بعد ازین آنان را به مزدوری نمی پذیرند و دور مزدوری آنان در گل گذاری مقابل تانک های روس ها از میان رفته است، حدود ۶۰ بار دست به تظاهرات زدند، اما کوچکترین جوابی نشنیدند.

ابتدا تعداد افراد این اردو ۴۰ هزار نفر تعیین شد، اما بعد آن را 70,000 و اینک در نشست بخارست سران کشورهای ناتو، تعداد آن را ۱۲۰ هزار نفر تعیین کردند. اردوی ملی که امریکایی ها مسؤولیت آموزش نظامی و مصارف آن را به عهده دارند، سالانه ۹۰۰ میلیون دلار می باشد. علاوه امریکایی ها برای این اردو، قرارگاه ها و قشله های پیشرفته ای را در سراسر کشور در دست ساختمان دارند و تا حدی آن را مسلح نموده اند. قرار است امریکایی ها آرام آرام امنیت تمام افغانستان را به این اردو بسپارند. در حال حاضر از چند طریق به "اردوی ملی" توجه می شود:

افسران بلند پایه و پایین رتبه "اردوی ملی" باید از نظر فکری به کسانی مبدل گردند که معتقد به ایدئولوژی بورژوازی باشند و تعلیمات و تحصیلات خاصی را بگذرانند. به این خاطر گروپ های مختلف افسران این اردو به امریکا و انگلستان می روند و تربیت سیاسی می یابند. امریکایی ها سطح تسلیحاتی این اردو را آهسته آهسته بالا می برند. زیرا موازی با اعتمادی که به این اردو پیدا می کنند، برای شان سلاح و مهمات می دهند. اردوی ملی از چندی به اینسو در عملیات های دلخواه امریکایی ها شرکت می کند و تا حدی جمع و جور شده است. اردوی ملی در آغاز به وسیله سلاح های چینی مسلح گردید. قومندانان امریکایی که در عراق و افغانستان به فساد بی نظیری آلوده می باشند، با یک کمپنی امریکایی به نام «I.E.Y» که جوان ۲۲ ساله ای در رأس آن قرار دارد، به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار قرارداد سلاح های چینی را بستند. این سلاح ها که در قرن گذشته در چین ساخته شده و سال ها کارایی خود را از دست داده بود، وقتی به اردوی ملی تحویل داده شد، به زودی معلوم گردید که با آنها نمی توان جنگید، لذا امریکا در سال گذشته برای اردوی ملی سی هزار میل سلاح «ام-۴» و «ام-۱۶»، ۱۲ بال هلیکوپتر، هشت هزار زره پوش و هشت هزار موتر رنجر خریداری کرد و چند کمدک کماندو را نیز آموزش داد.

افراد "اردوی ملی" که در اول با ترکیب قومی و سمتی آمده بودند و مناسبات تنظیمی در آن مشهود بود، حال امریکایی ها در تلاش اند تا این ترکیب را تغییر دهند و همه این افراد را زیر قومانده واحد جنرالان وابسته به خود تبدیل سازند. این پروسه گرچه تمام نشده، ولی تا حدی پیش رفته است. وظایف "اردوی ملی" آرام آرام از وظایف پولیس جدا می گردد. اکنون در بسیاری از عملیات شهری، سربازان این اردو شرکت نمی کنند و تا وقتی مسایل امنیتی در شهرها جدی نشود، "اردوی ملی" در آن ها مداخله نمی کند. معاش افسران و سربازان اردوی ملی در زمان های معینی (موازی به اعتماد امریکایی ها) بیشتر می شود. وضعیت لباس، خوراک، تعلیم و تحصیل سربازان و افسران آن در مواقع معین بهبود می یابد.

به این ترتیب اشغالگران در زیر سایه اشغال، چنین نیرویی را سازماندهی می کنند که در آینده امنیت کل کشور را به آن بسپارند و خود در پایگاه های دائمی شان مثل ۷۳۷ پایگاه دیگر به آرامی جابه جا شوند و به ستراتیژی

## امنیت ملی

«امنیت ملی» یکی از ابزارهای دیگر و مهم امریکایی ها در اشغال افغانستان می باشد. این سازمان که سرسپرده ترین جاسوسان را گرد آورده است، بسیاری آنان و وطن فروشان استحال شده خلقی- پرچی می باشند و مثل دوران اشغال روس ها، از دل و جان کار می کنند و چون سگ پاسبان منافع امپریالیست ها جان می کنند. افراد شورای نظار در کنار امرالله صالح رییس "امنیت ملی" نیز بخش مهمی از کارکنان این ارگان را می سازند و گفته می شود که تعداد اعضای آن در کابل به هشت هزار نفر می رسد. رهبری «امنیت ملی» کاملاً در دست امریکایی هاست و هر ماه سه میلیون دالر پول به آن می پردازند. بخشی ازین شبکه را انتلجنس سرویس انگلستان آموزش می دهد و تمویل می کند. «امنیت ملی» علاوه بر این که ریاست جمهوری، وزارت خارجه، وزارت داخله، رسانه های همگانی و ارگان های دیگر را در داخل کنترل می کند، در تعیین ماموران سفارتخانه ها و کنسولگری ها نقش مهمی دارد. این شبکه از طرق مختلف افراد سیاسی را زیر کنترل داشته، اسنادی چون مکالمه های تلفونی، اسناد دفتری، رابطه ی سفارتخانه ها، عکس و مصاحبه ها را بانک می نماید.

«امنیت ملی» افراد مسلح خاص خود را دارد؛ اجنت های آن در جاهای مختلف مصروف تعقیب افراد خاصی بوده، حرکت های مشکوک را زیر نظر می گیرند؛ زندان ها، شفاخانه ها، مهمانخانه ها و محل های رفت و آمد خاصی دارد؛ بسیاری از اعضاء و کادرهای آن در امریکا و انگلستان درس جاسوسی می خوانند و همیشه در رفت و آمد به خارج قرار دارند. «امنیت ملی» در مصارف خود بسیار مستقل می باشد و در موارد بسیاری به کسی پاسخگو نیست و پول های بسیاری را به مصرف می رساند. در شرایط کنونی کار «امنیت ملی» بیشتر به مرزها و مبارزه با طالبان در پاکستان متمرکز می باشد. علاوهً افراد، تشکلات و سازمان های سیاسی را زیر نظر دارد که در مواقع ضرورت با آن ها برخورد می کند. انقلابیون باید از حالا مقابل این ارگان حساس باشند و پنهانکاری را رعایت کنند. مردم ازین سازمان به شدت نفرت دارند و آن را چکیده ای از سازمان کثیف خاد می دانند، به این خاطر اعضاء این سازمان در حضور مردم کم تر به خاطر مخفی نگه داشتن هویت شان و بیشتر به خاطر نفرت مردم خود را پنهان نگه می دارند.

## سرمایه گذاری

قبل از کودتای هفت ثور و نفوذ سوسیال امپریالیزم شوروی در افغانستان، با این که رژیم های پوسیده شاهی بر حاکمیت کشور ما سوار بودند، اما در تولید صنعتی کوشش هایی صورت گرفته بود که بیشتر با سرمایه گذاری های دولت همراه بود.

نساجی نخه هرات، قندهار، توسعه نساجی بلخ، چاریکار، پلخمیری، میمنه، بگرامی و جلال آباد؛ پشمینه بافی و تار پشم برای قالین بافی کابل، قندهار، مزارشریف و هرات؛ شیشه سازی و چینی سازی کابل، قندوز و غزنی؛ کانسرو میوه و سبزی قندهار، هرات، جلال آباد و بغلان؛ تولید قند و شکر بغلان دوم (لبلبو)، هرات، میمنه و جلال آباد (نیشکر)؛ جن و پرس پخته با تیل و روغن کشی قندوز، گرشک، هلمند، بالامرغاب و میمنه؛ تولید سمنت قندهار، هرات، جلال آباد، پلخمیری؛ چرمگری هرات، قندهار، مزارشریف و غزنی؛ گاز مایع شبرغان و همچنان

کودوبرق مزار، کاستک سودا و پلاستیک سازی اندخوی؛ تولید ۶۰ میلیون کیلووات برق برای تنویر و انکشاف صنایع کوچک در ۳۰۰ ولسوالی؛ تولید کاغذ از پخته لنتر و ضایعات فابریکه های نساجی نخی؛ تولید چدن، سیخ گول تعمیراتی، آهن گادر تعمیراتی، آهن چادر، آهن چدن (سالانه صد هزار تن برای ایران)؛ مطبوعه ی چاپ و نشر؛ کارخانه های جنگلک؛ حجاری و نجاری؛ سیلوهای کابل، قندهار، هرات، پلخمری، مزار و غیره در کشور فعال بود. این همه کارخانه تولیدی در جریان جنگ های ۳۰ ساله یا از میان رفت یا در اثر سیاست بازار آزاد در معرض فروش قرار گرفت که به علت تولید کوچک و هم مورد هجوم قرار گرفتن بازارهای کشور، جز فابریکه سمنت پلخمری که برای ۴۰ سرمایه دار وابسته، با معادن زغال سنگ کرکر و دودکش به فروش رسید (این زغال سنگ که فی تن ۸ دالر از دولت خریداری شده تا برای تولید سمنت به کار برده شود، اما این سرمایه داران آن را استخراج کرده به پاکستان قاچاق و فی تن به ۱۵۰ دالر به فروش رسانده اند)، دیگر اثری از این کارخانه ها باقی نماند.

اشغال کشور ما که با سیاست بازار آزاد همراه است، کمپنی های غربی تلاش می نمایند که از استثمار زحمتکشان افغانستان هر چه بیشتر سود بکشند. تا حال بیشترین سرمایه گذاری ها در بخش ساختمانی بوده که به چهار میلیارد دالر می رسد. بخش اعظم این چهار میلیارد دالر در کابل سرمایه گذاری شده و شامل شهرک سازی و هتل سازی می باشد. به طور نمونه شهرک آریا که مربوط یک کمپنی امریکایی است، در آن دو افغان با سرمایه کوچک به شکل دلال کار می کنند و ۱۶ درصد آن را شاروالی کابل صاحب می شود. علاوه بر بخش های بانکداری، مخابرات و هوایی ملکی نیز سرمایه گذاری صورت گرفته است. تمام این سرمایه گذاری ها که ظاهراً به نام بخش خصوصی صورت می گیرد، دم شان زیر پای کمپنی های غربیست و هیچگونه بار تولیدی ندارد. این کمپنی ها تلاش می کنند که افغانستان را به جامعه مصرفی و وابسته مبدل نمایند. یگانه کارخانه تولیدی که درین چند سال به فعالیت آغاز کرده، کارخانه سمنت سازی پلخمری است که در آن ۴۰ سرمایه دار خصوصی به ارزش ۴۰ میلیون دالر سرمایه گذاری کرده برخی ازین پول ها حاصل مواد مخدر می باشد. این کارخانه تا حال قادر نشده است که به تعادل اصلی تولید برسد.

دولت افغانستان که صلاحیتی در برابر امریکایی ها ندارد، درین بخش گوش به فرمان تر عمل می کند. معادن آهن، یورانیم، مس، گاز و نفت از ثروت هایی است که کمپنی های مختلف به چپاول آن ها چشم دوخته اند. اما این کمپنی ها مایل اند که قبل از دست یازیدن به این ذخایر با ادامه جنگ با القاعده زمینه نفوذ در کشورهای دیگر و باجگیری از آن ها را مساعد سازند. مواد مخدر و آثار باستانی از ثروت های افسانه ئی کشور ماست که آماده بهره برداری بوده، علی العجاله عاید سرشاری ازین دو بخش را به دست می آورند. سود حاصله از تریاک سالانه ۴۰۰ میلیارد دالر چیزی در حدود بودجه نظامی سالانه امریکاست. اساساً امریکا و انگلیس در کنار تمسک به مبارزه به ضد تروریسم و اشغال افغانستان به عنوان چهارراه آسیا، به خاطر کنترل مواد مخدر به افغانستان آمده اند. این را نویسنده امریکایی کتاب «جنگ و جهانی شدن» به وضاحت توضیح می دهد که امریکا و انگلیس اساساً برای ثروت های منطقه، که نفت عراق و هیرویین افغانستان را در بر می گیرد، به این دو کشور آمده اند.

[ادامه دارد](#)